

انسانی شدن حقوق محیط زیست در پرتو کرامت انسانی

حسین رضازاده^۱ - عباسعلی کدخدایی^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۶

چکیده

حقوق بین‌الملل محیط زیست از جمله شاخه‌های حقوق بین‌الملل است که در چند دهه قبل به خصوص از دهه ۱۹۷۰ رشد و توسعه یافته است. چند دهه گذشته فرایند انسانی شدن حقوق بین‌الملل نیز آغاز و به شاخه‌های مختلف آن تسری یافت. انسانی شدن حقوق بین‌الملل ابتدا از رویکردی فردمحور متعاقباً رویکردی بشریت‌محور به خود گرفت. بدین معنا که بدنابل تحقق هدف‌های عالی مشترک در میان کل بشریت می‌باشد. حقوق بین‌الملل محیط زیست از جمله شاخه‌های حقوق بین‌الملل است که تحت تاثیر این فرایند قرار گرفته و با توجه به عوامل عینی و ذهنی موجود در فضای زیست‌محیطی، دارای رویکردی بشریت‌محور می‌باشد. به نظر نگارنده آنچه منجر به انسانی شدن حقوق محیط زیست و رویکرد بشریت‌محور در آن شده است نفوذ مولفه‌های کرامتی با استناد به کرامت انسانی در حوزه حقوق محیط زیست و ظرفیت‌هایی است که مفهوم کرامت انسانی از آن برخوردار است.

واژگان کلیدی: کرامت انسانی، انسانی شدن حقوق محیط زیست، بشریت، حقوق

بشر، حقوق بین‌الملل

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) h.rezazadeh69@yahoo.com

kadkhoda@ut.ac.ir

۲. استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

مقدمه

سازمان ملل متحد که بر ویرانه‌های جنگ جهانی دوم بنا نهاده شد نویدبخش ایجاد نظم نوینی بوده تا صلح و امنیت را برای انسان به ارمغان آورده و در راستای اعتلای کرامت انسانی^۱ گام بردارد. متعاقباً جامعه بین‌المللی برای اجرای این مهم به تصویب اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای روی آورده و به منظور اجرا و تضمین این قواعد نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای را تاسیس نمود. از جمله تحولات مهمی که در سال‌های اخیر به وقوع پیوسته آغاز فرایند انسان‌محوری حقوق بین‌الملل بوده است. انسانی کردن حقوق بین‌الملل با سرعت روبه‌رشدی در شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل تجلی یافت. بی‌تردید از جمله شاخه‌های حقوق بین‌الملل که تحت تاثیر این فرایند بوده است حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌باشد.

امروزه تردیدی نیست که حقوق محیط زیست شاخه‌ای مجزا از حقوق بشر می‌باشد با این حال به‌خصوص در سال‌های اخیر تحت تاثیر آموزه‌های حقوق بشر رویکردی کرامتی و بشریت‌محور به خود گرفته است؛ بدین معنا که چه از حیث عینی و چه ذهنی با عواملی روبروست که منافع بشریت را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد از طرفی حقوق محیط زیست با اتخاذ رویکردی کرامت‌محور درصدد است تا ضمن تامین محیطی مناسب برای زندگی انسان‌ها، از کرامت و حیثیت آن‌ها پاسداری نموده و از طرف دیگر کرامت انسانی نیز انسان را متعهد به حراست از محیط زیست می‌نماید.

در واقع این نوشتار در پی پاسخ به این سوال است که آیا روند تدریجی انسانی شدن حقوق بین‌الملل توانسته حقوق محیط زیست را تحت تاثیر خود قرار دهد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه عاملی منجر به انسانی شدن حقوق محیط زیست شده است؟ فرض اولیه تحقیق آن است که کرامت انسانی بعنوان یک اصل زمینه‌های انسانی شدن حقوق محیط زیست را فراهم نموده و منجر به شکل‌گیری رویکرد بشریت‌محور در این حوزه شده است.

ریشه بحث را می‌بایست در موضوع جایگاه انسان در حقوق محیط زیست جست‌وجو نمود. به لحاظ نظری، اندیشمندان حقوق بین‌الملل در ارتباط با جایگاه انسان در حقوق محیط زیست راه‌های مختلفی را پیموده‌اند. برخی اندیشمندان با رویکرد انسان‌محوری^۲ معتقدند

1. Human Dignity
2. Anthropocentrism

مباحث زیست محیطی می‌بایست ذیل موضوعات و نسل‌های حقوق بشری مورد توجه قرار گیرد زیرا از نظر این عده، هدف نهایی حمایت از محیط زیست، به‌رمندی بشر و ارتقای کیفیت زندگی انسانی است؛ لذا در این دیدگاه حقوق محیط زیست به‌عنوان یکی از حقوق نسل سوم حقوق بشر محسوب می‌شود.

عده دیگر با محور قرار دادن محیط زیست^۱ معتقدند بشر تنها یک عنصر از اکوسیستم جهانی است. حتی اگر انسان را مهم‌ترین عنصر اکوسیستم بدانیم باز هم سایر عناصر از جایگاه و ارزش خاص خود برخوردارند. در واقع هر بخش از اکوسیستم دارای اهمیتی حیاتی است زیرا یک عنصر ضروری از کل سیستم مرتبط و به هم پیوسته‌ای است که حیات را تضمین می‌نماید. در این رویکرد، حقوق بشر ذیل هدف اصلی حفاظت از طبیعت به‌عنوان یک کل قرار می‌گیرد.

دینا شلتون معتقد است در عصر حاضر و رای دو رویکرد مذکور می‌بایست به رویکرد سومی قائل شد. بدین معنا که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و حقوق محیط زیست ارزش‌های اجتماعی متفاوت و در عین حال مشترکی را بازگو می‌نمایند. در واقع میان حقوق بشر و حقوق محیط زیست منافع و اهداف مشترکی وجود دارد. با این حال نقض حقوق بشر لزوماً به معنای تخریب محیط زیست نیست؛ از طرف دیگر لزوماً موضوعات زیست محیطی نیز در چهارچوب قواعد حقوق بشری قرار نمی‌گیرند. در رویکرد سوم ممکن است حقوق بشر و حقوق محیط زیست بعضاً نقطه مقابل هم قرار گیرند. اما مبنای مشترک میان این دو رشته (که از ارزش‌های مشترک اجتماعی نشأت می‌گیرد) و اهداف مشترکشان نه تنها تعارضات احتمالی را حل می‌نماید بلکه فرصت بهتری در اختیار جامعه بین‌المللی قرار می‌دهد تا به ارتقای جایگاه و کرامت انسانی نائل آید.^۲

بدین ترتیب در این نوشته در ابتدا معنای عبارت "انسانی شدن حقوق محیط زیست" و تفاوت رویکرد فردمحور و بشریت‌محور مورد توجه قرار گرفته سپس مفهوم کرامت انسانی و جایگاه آن در اسناد داخلی و بین‌المللی بررسی می‌گردد. در نهایت نقش کرامت انسانی در انسانی کردن حقوق محیط زیست مطمح نظر قرار می‌گیرد.

1. Ecocentrism.

2. Dinah Shelton, "Human Rights, Environmental Rights, and the Right to Environment", *Journal of International Law*, Vol 28, No 103, (1991), at 105.

۱. انسانی شدن حقوق محیط زیست با رویکرد بشریت‌محور

اصول حاکم بر روابط دولت‌ها پس از جنگ جهانی دوم دچار تحولات مهمی شده است. ماهیت ارتباط میان دولت‌ها در ابتدا تحت عنوان قاعده "همزیستی"^۱، متعاقباً "همکاری"^۲ و حتی امروزه حرکت جامعه بین‌المللی به سمت "تلاش همگانی در جهت پیشرفت"^۳ نیز می‌باشد.^۴ اصطلاح اخیر در دکتترین (دربدارنده پیشرفت سریع جامعه بین‌المللی در حوزه‌های اخلاقی نسبت به سایر حوزه‌ها و هدف نهایی آن رشد و شکوفایی انسان‌ها در عالی‌ترین سطح آن است. بطوریکه هر انسانی قادر و مایل به تحقق بخشیدن به اهداف ارزشمند خود و یا درک زندگی مناسب باشد)^۵ البته رویکرد اخیر در حقوق بین‌الملل تحت تاثیر انسانی شدن حقوق بین‌الملل می‌باشد. انسانی شدن حقوق بین‌الملل و شاخه‌های آن از مهمترین مباحث حقوق بین‌الملل معاصر می‌باشد.^۶ منظور از انسانی شدن حقوق بین‌الملل توجه به ملاحظات انسانی در روابط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است.^۷ انسانی شدن حقوق بین‌الملل در

1. Co-existence.
2. Co-operation.
3. Co-progressiveness.

اصول حاکم بر روابط دولت‌ها به چند دوره تقسیم شده است:

دوره اول که پس از جنگ جهانی دوم آغاز و تا پایان جنگ سرد ادامه داشت مبنای روابط دولت‌ها هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بوده است. در این دوره تابع اصلی حقوق بین‌الملل اصولاً دولت‌ها بوده‌اند. در کنار دولت‌ها به تدریج سازمان‌های بین‌المللی نیز به تابعان حقوق بین‌الملل تبدیل شدند. دغدغه اصلی جامعه بین‌المللی در این مقطع زیست صلح‌آمیز دولت‌ها در کنار یکدیگر بوده است بطوریکه صلح میان دولت‌ها را در این دوره صلح غیردوستانه (Standoffish Peace) نامیده‌اند.

دوره دوم حدوداً از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ را دربرمی‌گیرد روابط دولت‌ها بر مبنای همکاری بوده است. در این دوره حقوق بین‌الملل شاهد مشارکت بیشتر سایر تابعان (منفعل) به خصوص افراد بوده است. در این دوره دولت‌ها به دلیل منافع متقابل به همکاری با یکدیگر روی آوردند.

دوره سوم که از سال ۲۰۰۰ آغاز شده آن را دوره تلاش همگانی در جهت پیشرفت نامیده‌اند. در این دوره نقش بازیگران غیردولتی به خصوص افراد بسیار پررنگ شده است. بطوریکه نقش بازیگران جدید حتی در شکل‌گیری و اصلاح قواعد حقوق بین‌الملل غیرقابل انکار می‌باشد. در این دوره هدف حقوق بین‌الملل پیشرفت تمامی انسان و بهره‌مندی آن‌ها از یک زندگی مناسب می‌باشد.

برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد رک به:

Sienho Yee, *Towards an International Law of Co-progressiveness*, volume 71 (Leiden: Brill Nijhoff and Hotei Publishing, 2014) Available at: <http://booksc.xyz/book/48646488/dbce03>.

4. Sienho Yee, "The International Law of Co-progressiveness: The Descriptive Observation, the Normative Position and Some Core Principles", *Chinese Journal of International Law*, Volume 13, issue 3, (2014), at 458-499.

5. Ibid, p 1.

۶. فرناندو تسون، فلسفه حقوق بین‌الملل، ترجمه محسن محبی، چاپ سوم (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴) ص ۱۴.

۷. حسین شریفی طراز کوهی، فاطمه فتح پور، «الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۹، شماره ۲، (۱۳۹۶)، ص ۲۱۶.

دکترین با دو رویکرد مطرح شده است: رویکرد فردمحور و رویکرد بشریت‌محور. در رویکرد فردمحور،^۱ برخی اندیشمندان انسانی شدن حقوق بین‌الملل را ماحصل تحولاتی می‌دانند که در نتیجه پیدایش و توسعه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوجود آمده است.^۲ دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ عنوان می‌دارد: توسعه و انتشار آموزه‌های حقوق بشر در جامعه بین‌المللی تحولات مهمی در حقوق بین‌الملل بوجود آورده است. لذا رویکرد حاکمیت‌محور به تدریج جای خود را به رویکرد انسان‌محور داده است. در واقع این قاعده برخاسته از حقوق روم می‌باشد که (تمام قوانین برای انتفاع بشر بوجود آمده‌اند) جایگاه خود را در جامعه بین‌المللی تثبیت نموده است.^۳ دلیل اینکه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در انسانی کردن حقوق بین‌الملل (با رویکرد فردمحور) پیشگام‌اند این است که ماهیت انسانی کردن در ذات این شاخه‌های حقوقی نهفته است. قواعد حقوق بشردوستانه از طرفی نه تنها دولت‌های طرف معاهده بلکه گروه‌های طرف مخاصمه را نیز ملزم می‌نماید. از طرف دیگر با تبدیل شدن این قواعد به عرف بین‌المللی حتی دولت‌های غیرمتعاهد نیز ملزم به این قواعد می‌باشند. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق اذعان می‌دارد: «هم حقوق بشر و هم حقوق بشردوستانه بر احترام به ارزش‌ها و کرامت شخص انسان متکی می‌باشند. توجه و تاکید هر دو شاخه حقوقی بر کرامت انسانی پایه‌های حداقل استانداردهای اساسی، برای شکل‌گیری نظام مبتنی بر بشریت را تشکیل می‌دهد».^۴

مفهوم جدید "حقوق بین‌الملل بشریت‌محور"^۵ به این معنی اشاره دارد که اصول، قواعد و مکانیزم‌های حقوق بین‌الملل صرفاً برای تامین منافع دولت‌ها و حتی منافع اشخاص، وضع و اعمال نمی‌شوند بلکه برای تامین منافع و رفاه بشریت به کار گرفته می‌شوند. در واقع فرایند انسان‌محوری حقوق بین‌الملل تمام حوزه‌های آن، از مبانی و تابعان حقوق بین‌الملل گرفته تا ساخت‌های مفهومی جدید و اصول مبنایی حقوق بشر را تحت تاثیر قرار داده است. همچنین

1. The Individual-oriented of International Law.

2. Theodor Moeron, *The Humanization of International Law*, Volume 3, The Hague Academy of International Law Monographs (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2006) at introduction.

3. Case No. IT-94-1, Tadic Case (Decision on Interlocutory Appeal), Decision of 2 October 1995, ICTY (1995), p 97.

4. Case No. IT-96-21-A, Prosecutor V Zejnir DELALIC, Zdravko MUCIC, Hazim DELIC, ICTY (2001), p 149.

5. Mankind-oriented International Law.

کوشش‌هایی که برای استقرار حقوق بین‌الملل انسان‌محور به عمل آمده همه برای آن بوده تا ارزش‌هایی مانند صلح، عدالت و... به صورتی مناسب مستقر شوند. چنین فرایندی از حقوق بین‌الملل جدید حکایت دارد: (یک حقوق بین‌الملل برای کل بشریت)^۱ مقصود از بشریت "نوع انسان" است یعنی تمام اعضای جامعه انسانی و همچنین به نسل‌های فعلی و آتی بشر نیز اشاره دارد. در این مفهوم حقوق بین‌الملل بدنبال تحقق هدف‌های عالی مشترک در میان کل بشریت می‌باشد.^۲ لذا ارجاع به بشریت ارجاع به آن بعنوان یک کل، در رابطه با مسائل مربوط به منافع مستقیم، مشترک و عمومی تفسیر شده است.^۳

رویکرد بشریت‌محور بعنوان یکی از شاخه‌های انسانی شدن حقوق بین‌الملل معاصر، سابقه تاریخی کمتری از رویکرد فردمحور دارد با این حال به سرعت در حال توسعه می‌باشد. از جمله رژیم‌هایی که امروزه زیر چتر رویکرد بشریت‌محور قرار می‌گیرد حقوق محیط زیست است.^۴ حقوق محیط زیست که در دهه‌های اخیر به سرعت توسعه یافته سمبل رویکرد بشریت‌محور در انسانی شدن حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌رود.^۵

امروزه مصادیق میراث مشترک بشریت رو به افزایش می‌باشد. موافقتنامه ۱۹۷۹ راجع به فعالیت دولت‌ها در ماه و سایر اجرام آسمانی، پروتکل ۱۹۹۱ در مورد حفاظت از محیط زیست جنوبگان، اعلامیه ۲۰۰۱ یونسکو در مورد تنوع فرهنگی و... وصف مشترک تمامی تلاش‌هایی که در این اسناد به منصفه ظهور رسیده‌اند به پدیده‌ای اختصاص دارد که بشریت را بعنوان پدیده‌ای فراملی به رسمیت می‌شناسد. حضور افراد در اداره این میراث به‌گونه‌ای تعریف شده که منافع بشریت در سراسر جهان و نه صرفاً قلمرو سرزمینی دولت متبوع خود را در نظر گرفته و بدنبال منافع ملی خود باشند؛ عواید حاصله در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی باید به نفع بشریت تقسیم شود، دستاوردهای علمی باید در دسترس بشریت قرار گیرد و به نفع آن‌ها به کار گرفته می‌شود.^۶

۱. هدایت اله فلسفی، سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل (تهران: نشر نو با همکاری نشر آسیم، ۱۳۹۶) ص ۴۲۶.

۲. همان، صص ۴۳۲-۴۳۳.

۳. یوسف فرزانه، انسانی شدن حقوق بین‌الملل در پرتو نظریه مسئولیت حمایت با تأکید بر دیدگاه اسلام (تهران: دانشگاه پیام نور، گروه الهیات و حقوق اسلامی، ۱۳۹۳) ص ۹۳.

4. Lingliang Zeng, "Humanizing Tendency of Contemporary International Law", *Frontiers of Law in China*, Volume 4, issue 1, (2009), at 19.

5. Ibid. p 24.

۶. محمد شریف، گذار از حقوق بین‌الملل به حقوق بشر (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۳) صص ۱۷۶-۱۷۷.

امروزه موضوعات زیست محیطی مانند تغییر اقلیم، تنوع بیولوژیکی و ... آنچنان دارای ابعاد گسترده‌ای هستند که صرف اراده دولت‌ها برای مرتفع ساختن این مشکلات کافی نیست و نیازمند رویکردی جهانی^۱ می‌باشد. لذا در اسناد متعدد بین‌المللی که مربوط به حفاظت از محیط زیست، توسعه پایدار و میراث فرهنگی می‌باشند مکرراً به بشریت استناد شده است^۲ برای نمونه اصل هجدهم اعلامیه استکهلم^۳ به خیر مشترک بشریت^۴ استناد می‌نماید.

به نظر می‌رسد ارجاع اسناد متعدد زیست محیطی به بشریت، نشان می‌دهد اصول اساسی مشترک در میان آن‌ها تامین منافع مشترک بشریت می‌باشد در واقع امروزه بشریت بعنوان یک شخصیت حقوقی باید مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه پروتکل ۱۹۷۸ مونرال در مورد حفاظت از لایه ازن (که بخشی از معاهده ۱۹۸۵ در مورد حفاظت از لایه ازن می‌باشد) مناطقی که در قلمرو سرزمینی دولت‌ها قرار گرفته است را بعنوان میراث مشترک بشریت قلمداد نموده و با توجه به اینکه هزینه مورد نیاز جهت حفاظت از آنها (بطور مشخص جنگل‌های آمازون) را بر عهده جامعه بشری می‌داند و همچنین بشریت را اعم از نسل‌های حال و آینده تعریف می‌نماید، مفهوم نوینی از مالکیت عمومی به دست می‌دهد که ناشی از شکل‌گیری بشریت بعنوان یک شخصیت حقوقی بر اساس منافع مشترک می‌باشد.^۵

در سال‌های اخیر در حقوق بین‌الملل محیط زیست «میراث مشترک بشریت»^۶ در سیر تکاملی خود به «نگرانی مشترک بشریت»^۷ تبدیل شده است. مجمع عمومی سازمان ملل در

1. Universal Approach.

2. Antônio Augusto Cançado Trindade, *International Law for Humankind Towards a New Jus Gentium*, Volume 8 (Leiden: Martinus nijhoff publishers: 2013) at 339.

3. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment.

4. Common Good of Mankind.

۵. محمد شریف، همان، ص ۱۷۹.

۶. هیچ تعریف رسمی از مفهوم میراث مشترک بشریت وجود ندارد، دکترین نیز در این مورد به جمع‌بندی مشخصی نرسیده است با این حال وجه مشترک تمام تعریف‌ها وجود پنج ویژگی در مفهوم اخیر می‌باشد: ۱- این مناطق قابل تملک نیستند؛ ۲- از همه افراد بشر انتظار می‌رود که در مدیریت آن سهم باشند؛ ۳- منافع حاصل از بهره‌برداری منطقه به صورت بین‌المللی تقسیم شود؛ ۴- بهره‌برداری با اهداف مسالمت‌آمیز صورت گیرد و ۵- تحقیقات علمی در منطقه مادام که محیط زیست آسیب نبیند مجاز است.

حمید رضا جمالی، «میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، دوره ۶، شماره ۱۴، (۱۳۸۹)، صص ۶۰-۶۱.

7. Common Concern of Mankind.

قطعنامه ۴۳/۵۳ در اولین پاراگراف اجرایی، تغییر اقلیم را بعنوان نگرانی مشترک بشریت مورد شناسایی قرار می‌دهد زیرا مراقبت از اقلیم را شرط ضروری زندگی در کره زمین می‌داند. متعاقبا در پاراگراف بعدی خواهان اقدام ضروری و به موقع در چهارچوبی جهانی می‌شود. تغییر رویکرد بین‌المللی از میراث مشترک بشریت به نگرانی مشترک بشریت الهام گرفته از رویکردی نوین در نظم عمومی بین‌المللی است. در میراث مشترک بشریت، جامعه بین‌المللی بدنبال توزیع منافع حاصل از بهره‌کشی از طبیعت بوده است درحالیکه نگرانی مشترک بشریت هم موجد حق است و هم تکلیف؛ حق بهره‌برداری مشروع از منابع و مسئولیت مشترک به همکاری در حفاظت و حراست از محیط زیست.^۱ لذا در رویکرد اخیر، دولت‌ها علاوه بر حق بهره‌برداری متعهد به حراست از محیط زیست نیز هستند.

برنامه محیط زیست ملل متحد^۲ نیز این مسئله را تصدیق می‌نماید که حفاظت از محیط زیست به مسئله حقوق بشر "قطعا مرتبط"^۳ می‌باشد.^۴ در این راستا مقدمه کنوانسیون یونسکو در مورد حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی^۵ مقرر می‌دارد: «برخی از میراث ... طبیعی دارای منفعت اساسی بوده و می‌بایست از آنها بعنوان میراث جهانی بشریت در کل^۶ محافظت شود.» در واقع کنوانسیون اخیر به مسئولیت و تعهد جامعه بین‌المللی در کلیت آن اشاره دارد. در این راستا بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اخیر مقرر می‌دارد: «با احترام کامل به حاکمیت دولت‌هایی که میراث ... طبیعی در سرزمینشان قرار دارد ... کشورهای عضو این کنوانسیون بر این باورند که چنین میراثی میراث جهانی است که جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل وظیفه حفاظت از آن را با همکاری بعهده دارد.»

قبل از برگزاری کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه^۷ در ریو، برنامه محیط زیست سازمان ملل گروهی متشکل از متخصصان حقوق بین‌الملل را در دسامبر ۱۹۹۰ در مالت تشکیل داد تا مبنای هنجاری موضوعات مورد بحث در کنفرانس پیش‌رو را تعیین نمایند. گروه مذکور در گزارش خود به بحث نگرانی مشترک پرداخته و در این مورد عنوان

1 Antônio Augusto Cançado Trindade, op. cit, at 345.

2. United Nations Environment Programme.

3. Decisively Linked.

4. UNEP, doc. UNEP/ELIU/WG.1/1/2, pp. 1-2, par. 4, and cf. pp. 4-5, pars. 8-9. In Antônio Augusto Cançado Trindade, op. cit, at 340.

5. Convention for the Protection of the World Cultural and Natural Heritage (1972).

6. The World Heritage of Mankind as a Whole.

7. U.N. Conference on Environment and Development (1992).

می‌کند «در گذشته مفهوم نگرانی بین‌المللی^۱ به رویه ارگان‌های سازمان ملل در حل مسائل مربوط به حمایت از حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت مردمان اشاره داشت... اما در حال حاضر نگرانی مشترک بشریت نشان دهنده ابعاد زمانی و اجتماعی متعددی بوده و بر موضوعاتی متمرکز می‌باشد که حقیقتاً برای تمام بشریت مسئله‌ای اساسی باشند.»^۲ گزارش کمیته مالت به خوبی تایید می‌نماید که حقوق محیط زیست بعنوان نگرانی مشترک بشریت صرفاً بدنبال تامین منافع دولت‌ها نبوده بلکه فراتر از آن، درصدد رفع نیازهای جامعه بین‌المللی حرکت می‌نماید. گروه مذکور در سال ۱۹۹۱ مجدداً در ژنو تشکیل جلسه داده و بحث نگرانی مشترک بشریت را مورد مذاقه قرار دادند. در گزارش ژنو مقرر شده: «مراقبت از محیط زیست جهانی مستلزم توجه بیشتر جامعه بین‌المللی است. تامین زندگی همراه با کرامت برای همه در محیطی سالم، امن و بهداشتی می‌بایست موضوع نگرانی مشترک بشریت باشد.»^۳ آخرین اجلاس گروه متخصصان در بیجینگ چین برگزار شد. در این اجلاس نتیجه‌گیری شد (ظهور تازه مفهوم نگرانی مشترک بشریت، به منظور بهره‌مندی از پذیرش عمومی در خصوص مسائل زیست‌محیطی جهانی، از مبنایی موسع و انعطاف کافی برخوردار است).^۴ به عبارت دیگر گروه مذکور موضوعات زیست‌محیطی جهانی را در چهارچوب نگرانی مشترک بشریت قابل بررسی می‌داند. در نهایت کنوانسیون تغییر اقلیم^۵ و نوع زیستی^۶ در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو به تصویب می‌رسد و هر دو کنوانسیون در مقدمه به «نگرانی مشترک بشریت» در مورد مسائل زیست‌محیطی اذعان می‌نمایند.

با تمام این تفاسیر هیچ تعریف رسمی از تسری حقوقی نگرانی مشترک بشریت به نظام حقوق محیط زیست وجود ندارد. اما دکتربین بر مبنای اسناد زیست‌محیطی وجود سه مولفه را در تبیین آن ضروری می‌داند:

1. The notion of international concern.
2. Report of the II Meeting of the UNEP Group of Legal Experts to Examine the Implications of the 'Common Concern of Mankind Concept' in Relation to Global Environmental Issues (Geneva, 20-22 March 1991).
3. Report of the II Meeting of the UNEP Group of Legal Experts to Examine the Implications of the 'Common Concern of Mankind Concept' in Relation to Global Environmental Issues (Geneva, 20-22 March 1991).
4. UNEP, Beijing Symposium on Developing Countries and International Environmental Law (Beijing: 12-14 August 1991), at 4.
5. United Nations Framework Convention on Climate Change (1992).
6. Convention on Biological Diversity (1992).

*** بعد مکانی:** از این منظر تمام دولت‌ها متعهد به همکاری برای حفظ و حراست از نگرانی‌های مشترک می‌باشند. چه این نگرانی در محدوده حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها باشد یا خارج از آن؛

*** بعد زمانی:** از این بُعد، نگرانی‌های مشترک بشریت در حوزه زیست‌محیطی دارای آثار گسترده و بلندمدتی هستند که نه تنها نسل حاضر بلکه دامن‌گیر نسل آتی نیز می‌باشند. بنابراین نسل حاضر در برابر نسل‌های آینده دارای تعهدات اخلاقی و حقوقی می‌باشد؛

*** بعد اجتماعی:** بعد اجتماعی، مستلزم مشارکت تمام گروه‌های دولتی و غیردولتی اعم از قوای سه‌گانه و حتی شهروندان نیز می‌باشد.^۱ وجود ابعاد مکانی، زمانی و اجتماعی در حقوق بین‌الملل محیط زیست از حیث عینی و ذهنی قابل تأیید است. در تحلیل عوامل عینی باید اذعان نمود افزایش مسائل زیست‌محیطی در سال‌های اخیر دولت‌ها را به صورت فردی و جمعی به چالش کشیده است. پیشرفت علم و تکنولوژی، از طرفی رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی بشر را به دنبال داشته؛ از طرف دیگر اثرات سوئی بر محیط زیست به‌جا گذاشته و روند توسعه پایدار را با کندی مواجه نموده است. خطرات موجود برای محیط زیست نه لزوما ناشی از حرکت طبیعی تکنولوژی که غالباً ساخته و پرداخته دست بشرند. با توجه به اینکه آسیب‌های زیست‌محیطی مانند تغییر اقلیم، آسیب دیدن لایه اوزون و... بسیار گسترده و جدی بوده و غالباً محدود به منطقه و دولت خاصی نمی‌شود دولت‌ها با همکاری یکدیگر می‌بایست تمهیداتی اندیشیده تا جلوی آسیب‌های بیشتر را گرفته و در راستای ایجاد محیطی سالم و مناسب برای ارتقای کرامات انسانی گام بردارند.

از حیث ذهنی شناسایی محیط زیست به‌عنوان یک موضوع فراملی که سرنوشت جامعه بین‌المللی متأثر از آن است سابقه‌ای طولانی ندارد. قبل از سال‌های ۱۹۶۰ دولت‌ها به سختی ضرورت حمایت از محیط زیست بشری توسط حقوق بین‌الملل را درک می‌کردند. تاخیر دولت‌ها در درک اهمیت موضوعات زیست‌محیطی به‌طور کلی معلول سه علت است: اول اینکه در سال‌های اخیر بوده که با توسعه فعالیت‌های صنعتی آلودگی‌های زیست‌محیطی و خسارت‌های گسترده ناشی از آن بوجود آمد. قبل از آن غالباً خسارات زیست‌محیطی در

۱. شیما عرب اسدی، امیرحسین رنجریان، «نگرانی‌های مشترک بشری: از پدیداری تا تکامل در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۸۴، شماره ۲، (۱۳۹۷)، صص ۴۰۷-۴۰۸.

اندازه‌ای نبوده که به یک بحران بین‌المللی تبدیل شود. دوم حتی زمانی که دولت‌ها مسائل زیست‌محیطی را به‌عنوان مسائل فراملی شناسایی نمودند همچنان به رویکرد سنتی نسبت به این مسائل پایبند بودند بدین معنا که با برقراری ارتباط دو جانبه یا حتی چندجانبه تامین حداکثر منافع خود را در سر داشته و لذا دغدغه‌ای نسبت به منابع زیست‌محیطی سایر دولت‌ها و جامعه بین‌المللی نداشتند. سوم هنوز مردم نسبت به خطرات احتمالی زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و نظامی آگاهی کافی نداشته و حساسیت به میزانی نبود که از طریق جوامع مدنی، دولت‌ها را تحت فشار قرار دهند.^۱

اصطلاح نگرانی مشترک بشریت به خوبی نشان می‌دهد مبانی رویکردهای پوزیتیویستی حقوق بین‌الملل تضعیف شده و بجای اتکای صرف به اراده دولت‌ها به نیازها و تمنیات بشریت بعنوان یک کل (چه نسل فعلی یا نسل‌های آتی) توجه می‌شود و همانطور که ملاحظه شد مسائل زیست‌محیطی جهانی کل بشریت را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. در ادامه مفهوم کرامت انسانی و تاثیر آن بر انسانی شدن حقوق محیط زیست تشریح می‌گردد.

۲. جایگاه کرامت انسانی در اسناد داخلی و بین‌المللی و معنای آن

امروزه هسته مرکزی هنجارهای حقوق بشری را کرامت انسانی تشکیل می‌دهد. مهمترین اسناد حقوق بین‌الملل (به‌خصوص پس از جنگ جهانی دوم) و قوانین اساسی دولت‌ها از این مفهوم و جایگاه آن غافل نبوده‌اند. قبل از ۱۹۴۵ تنها در قوانین اساسی ۵ دولت به کرامت انسانی اشاره شده بود.^۲ بعد از جنگ جهانی دوم تا سال ۲۰۱۲، ۱۶۲ دولت کرامت انسانی را در قوانین اساسی خود درج نمودند.^۳ با این حال در هیچ سند رسمی مفهوم کرامت انسانی تعریف نشد؛ بالتبع برای تعریف این مفهوم می‌بایست به دکترین حقوق بین‌الملل متوسل شد.

1. Lingliang Zeng, op. cit, at 25.

۲. مکزیك، آلمان، فنلاند، ایرلند، کوبا.

3. Dinah Townsend, "Taking Dignity Seriously? A Dignity Approach to Environmental Disputes before Human Rights Courts", *Journal of Human Rights and the Environment*, Vol. 6, Issue 2, (2015), at 207-208.

۲-۱. کرامت انسانی منبع حقوق و تعهدات در اسناد بین‌المللی و داخلی

از مهم‌ترین کارکردهای کرامت انسانی به خصوص در چهارچوب بررسی‌های حقوقی این است که این مفهوم منشا حقوق و تعهدات می‌باشد. در حقوق بین‌الملل بعد از جنگ جهانی دوم از اولین اسنادی که به کرامت انسانی اشاره دارد منشور ملل متحد می‌باشد. به منظور تدوین منشور در کنفرانس سانفرانسیسکو طرح اولیه‌ای برای مقدمه منشور پیشنهاد گردید. پیشنهاد شد تا دومین بند مقدمه منشور بدین صورت تنظیم گردد: «با برقراری یا تجدید^۱ ایمان مردان و زنان به حقوق اساسی بشر...». اما عبارت مذکور در کنفرانس سانفرانسیسکو تغییر یافت و در نهایت در بند دوم مقدمه منشور مقرر گردید «با تصدیق مجدد^۲ ایمان به حقوق اساسی بشر، کرامت و ارزش هر شخص انسانی، تساوی حقوق مردان و زنان و...». همانطور که ملاحظه گردید از مهمترین تغییرات بند مذکور تغییر عبارت «برقراری مجدد» به «تصدیق مجدد» بوده است. دلیل تغییر مذکور این بوده است که اکثر اعضای کنفرانس سانفرانسیسکو بر این اعتقاد بودند که ایمان به کرامت و ارزش‌های انسانی هیچگاه بطور کل از بین نرفته تا مجدداً برقرار شود به همین دلیل صرفاً ایمان به کرامت انسانی را مجدداً تصدیق نمودند.^۳ پس از منشور ملل متحد، کرامت انسانی در مقدمه مهم‌ترین اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین مورد توجه قرار گرفت. در اسناد مذکور، کرامت انسانی در کنار سایر حقوق بشر قرار نمی‌گیرد بلکه در راس آنها قرار گرفته و منبع ایجاد حقوق بشر می‌باشد.

بعد از جنگ جهانی دوم با تصویب منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، بسیاری از دولت‌ها کرامت انسانی را در قوانین (اساسی) داخلی خود گنجانده‌اند. برای نمونه در قانون پایه دولت اسپانیا، قوانین اساسی دول هند، پرتغال و... به کرامت انسانی توجه نمودند.^۴ اولین

1. Re-establish.

2. Reaffirm.

3 Otto Spijkers, *The United Nations, the Evolution of Global Values and International Law*, Volume 47 (Netherland: School of Human Rights Research Series, 2011) at 285-286.

۴. قانون پایه دولت اسپانیا آمده «دولت اسپانیا به عنوان یک اصل هدایت‌کننده اعمال خود، احترام به کرامت، صداقت و آزادی فرد انسان را اعلام می‌نماید.» قانون اساسی دولت هند نیز مقرر می‌دارد: «برای ترویج در میان همه (شهروندان هند)؛ برادری و اخوت، کرامت فرد و وحدت و یکپارچگی ملت را تضمین می‌کند.» همچنین در قانون اساسی پرتغال مقرر شده است: «پرتغال یک حکومت جمهوری است که بر اساس کرامت و منزلت شخص انسان و اراده مردم به وجود آمده است». اولین عبارت قانون اساسی آلمان کرامت انسانی را مصون و غیرقابل تخطی می‌داند که احترام و حمایت از آن وظیفه تمام مراجع دولتی می‌باشد.

Doron Shultziner, "Human Dignity - Functions and Meanings, Global Jurist Topics", *Global Jurist Topics*, Volume 3, Issue 3, (2003), at 4.

عبارت قانون اساسی آلمان کرامت انسانی را مصون و غیرقابل تخطی می‌داند که احترام و حمایت از آن وظیفه تمام مراجع دولتی می‌باشد.^۱

همانطور که در قوانین داخلی دولت‌ها نیز مشاهده می‌گردد کرامت انسانی یک ارزش برتر می‌باشد که سایر حقوق و تعهدات را هدایت و سازمان‌دهی می‌نماید. البته صرفاً قانون اساسی مجارستان، آفریقای جنوبی و رژیم اشغالگر قدس، وضعیت بدین صورت نیست؛ بدین معنا که کرامت انسانی در راس سایر حقوق بشر قرار ندارد و در کنار سایر حقوق بشر مطرح می‌شود. با این حال قوانین اساسی مذکور صرفاً جنبه استثنایی دارند و نمی‌توانند قاعده‌ساز باشند. در سایر موارد، کرامت انسانی بعنوان یک ارزش برتر در راس سایر حقوق بشر قرار دارد.^۲ بنابراین کرامت انسانی بعنوان یک اصل (از اصول کلی حقوقی) منشا شکل‌گیری قواعد در نظام بین‌المللی می‌باشد.^۳ حال باید دید چه تعریفی می‌توان از کرامت انسانی که منشا حقوق و تعهدات حقوق بشری در حقوق بین‌الملل است ارائه نمود؟

۲-۲. معنای کرامت انسانی

در سطح دکترین تعاریف متعددی در باب کرامت انسانی وجود دارد از جمله اینکه کرامت انسانی یکی از محدود ارزش‌های مشترک در دنیای فلسفی با مبانی پلورالیسم می‌باشد.^۴ همچنین اسکار شاکتر^۵ در مود کرامت انسانی عنوان می‌دارد: «به نظر نمی‌رسد هیچ آرمان دیگری مانند کرامت انسانی به وضوح بعنوان یک خصلت جهانی اجتماعی پذیرفته شده باشد.»^۶ اندیشمند دیگری در مورد کرامت انسانی عنوان نموده به دشواری می‌توان مفهوم حقوقی دیگری یافت که به اندازه کرامت انسانی تقدیس شده و مورد اقبال اندیشمندان قرار

1. Ibid, p 12.

2. Ibid, p 4.

۳. در تفاوت اصل و قاعده عنوان شده که اصل جنبه کلی داشته بطوریکه قواعدی که در هر نظام حقوقی جاری است از دل اصول نشات می‌گیرند

Mary Neal, "Respect for Human Dignity as 'Substantive Basic Norm,'" *International Journal of Law in Context*, Volume 10, Issue 01, (2014), at 35.

4. Roberto Andorno, "The Paradoxical Notion of Human Dignity" (2001), Last Seen at 25/4/2020, available at: <http://www.revistapersona.com.ar/Persona09/9Andorno.htm>

5. Oscar Schachter.

6. Oscar Schachter, "Human Dignity as a Normative Concept", *The American Journal of International Law*, Vol. 77, issue 4, (1983), at 849.

گرفته باشد.^۱ در واقع کرامت انسانی بنیادی‌ترین باید اخلاقی و مادر تمام گذاره‌های اخلاقی محسوب می‌شود.^۲ با این تفاسیر باید دید چه تعریفی می‌توان از کرامت انسانی ارائه نمود؟ باید توجه داشت که کرامت انسانی ذاتی انسان است؛ انسان نمی‌تواند بطور اختیاری یا اجباری آن را از خود سلب نماید. البته انسان‌های زیادی در پهنه هستی ممکن است در معرض رفتارهای غیر انسانی قرار داشته باشند با این حال رفتارهای غیر انسانی به معنای سلب کرامت انسانی نیست چراکه کرامت انسانی قبل از تولد شخص بوجود آمده و بعد از مرگ او همچنان تداوم خواهد داشت. در واقع همانگونه که *امانوئل کانت*^۳ اعتقاد داشت کرامت به انسان چنان جایگاهی می‌دهد تا با او بعنوان غایت بالذات تعامل شود و از دیدگاه ابزار گرایانه نسبت به او اجتناب گردد.^۴

اما سازمان ملل بطور آگاهانه از پذیرش مبنای فلسفی خاصی برای کرامت انسانی اجتناب نموده و این مفهوم را بر اساس هیچکدام از آموزه‌های دینی استوار ننموده است زیرا تکیه بر هر کدام از اندیشه‌ها و ادیان چه بسا به معنای رد سایر تفکرات تلقی می‌شود، به همین دلیل برخی اندیشمندان معتقدند سازمان ملل مفهوم کرامت انسانی را بر هیچکدام از مبانی فلسفی مبتنی نساخته بلکه این مفهوم را به اندازه کافی واضح می‌داند بطوریکه ماهیت آن بر خود استوار باشد.^۵ به نظر مک کرودن^۶ سازمان ملل بدون اینکه کرامت انسانی را تعریف نماید در صدد بوده تا فیلسوفان مکاتب مختلف بر اساس مکتب فکری خود آن را شرح و بسط دهند؛ لذا سازمان بدنال استخراج مخرج مشترک یا حداقل‌هایی بوده است که در تمام مکاتب مشترک باشند. به نظر مک کرودن، ایده‌ای که از هسته مشترک مکاتب مختلف قابل استنباط می‌باشد این است که هر شخص انسانی به صرف انسان بودن از ارزش ذاتی برخوردار است بالتبع این ارزش ذاتی می‌بایست توسط سایرین شناسایی شده و مورد احترام قرار گیرد. البته

1. Stéphanie Henne-Vauchez, "When Ambivalent Principles Prevail, Leads for Explaining Western Legal orders Infatuation with the Human Dignity Principle", European University Institute, Volume 10, Issue 2, (2007), at 3.

۲. سید محمد قاری سیدفاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، چاپ سوم (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۰) ص ۳۸.

3. Immanuel Kant.

4. Christopher McCrudden, "Human Dignity and Judicial Interpretation of Human Rights", The European Journal of International Law, Vol. 19, issue 4, (2008), at 659-660.

5. Otto Spijkers, op.cit, at 298.

6. Christopher McCrudden.

مکاتب فلسفی در پاسخ به این سوال که چرا انسان از چنین ارزش ذاتی برخوردار است راه‌های متفاوتی را پیمودند. همچنین وی معتقد است تئوری‌ای که سازمان مبنا قرار داده منتج به این نتیجه می‌شود که اساساً وجود دولت‌ها بخاطر نوع بشر است باشد نه بر عکس آن.^۱ یکی دیگر از نویسندگان حقوق بین‌الملل معتقد است تئوری سازمان ملل در رابطه با کرامت انسانی مبتنی بر «دکترین حقوق بشر ذاتی» است. دکترینی که طراحان اعلامیه جهانی حقوق بشر آن را برگزیده‌اند. دکترین حقوق بشر ذاتی بر دو فرض اولیه مبتنی است: اول اینکه انسان‌ها در هر زمانی از حقوقی برخوردارند که عارضی نیستند بلکه از زمان تولد، ذاتی انسان هستند. دوم مردم در اقصا نقاط جهان (شهرها و روستاها) این حق را دارند تا از حقوق ذاتی خود مطلع گردند. به نظر مورسینک این تئوری بیشتر از آنکه بر دکترین‌های فلسفی استوار باشد بر گزاره‌های اخلاقی بنا شده است، به همین دلیل است افراد دارای رفتاری مغایر با کرامت انسانی باشند را به راحتی تشخیص می‌دهند گرچه نتوانند مفهوم کرامت انسانی را دقیق تعریف نمایند.^۲ اسکار شاختر در این رابطه عنوان می‌کند تمام مردم می‌توانند نقض کرامت انسانی را تشخیص دهند بدون اینکه بتوانند کرامت انسانی را برای یکدیگر تبیین نمایند. در واقع در این دیدگاه که بر گزاره‌های اخلاقی متکی است برای تشخیص کرامت انسانی می‌بایست به مفهوم و مصادیق مخالف آن توجه نمود.^۳ به نظر می‌رسد جامعه بین‌المللی تعمداً از ارائه تعریف در این مورد خودداری می‌ورزند تا مفهوم موسع کرامت انسانی محدود نشود و بتواند خلاهای موجود برای ارتقای جایگاه انسان در حقوق بین‌الملل را پر نماید. به نظر نگارنده نیز در سیاق حقوق بین‌الملل می‌بایست به تعریف کلی آن یعنی شایستگی احترام به صرف انسان بودن اکتفا نمود و از جهت‌گیری در این مورد امتناع نمود.

۳. کرامت انسانی در حقوق محیط زیست

اساساً هر نظام حقوقی بر اساس اصول شکل می‌گیرد. نظام حقوقی مبتنی بر بشریت مانند حقوق محیط زیست نیز بر پایه اصولی قرار دارد که از منزلتی شایسته در حقوق بین‌الملل برخوردارند. از مهمترین اصول مذکور، منزلت و کرامت انسانی است که از جمله اصول مطلق

1. Christopher McCrudden, op. cit, at 678.

2. Johannes Morsink, *Inherent Human Rights: Philosophical Roots of the Universal Declaration* (Pennsylvania: University of Pennsylvania Press, Inc., 2009) at 17.

3. Oscar Schachter, op. cit, at 849.

و اساسی محسوب می‌شود،^۱ برای مثال گروهی از اندیشمندان در سال ۲۰۱۰ سند «هارت ول»^۲ را در مورد تغییر اقلیم تهیه نمودند. در این سند عنوان شده: «هدف این سند چارچوب بندی مجدد موضوع تغییر اقلیم حول محور کرامت انسانی است» همچنین اذعان می‌دارد: «اصل سازماندهی کننده تلاش‌های ما باید ارتقای کرامت انسانی باشد».^۳

این نکته را باید مد نظر داشت که رویکرد کرامتی به محیط زیست، به معنای نادیده انگاشتن سایر اجزای محیط زیست نمی‌باشد. برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ)^۴ نیز در سال ۲۰۱۳ در گزارشی تحت عنوان "گنجاندن محیط زیست در اهداف توسعه پایدار"^۵ عنوان می‌دارد: «محیط زیست فی نفسه دارای ارزش ذاتی است. یکپارچگی محیط زیست به خودی خود دارای اهمیت است، زیرا طبیعت دارای ارزش‌های آموزشی، فرهنگی، تفریحی، زیبایی شناسی، مذهبی، معنوی و غیره می‌باشد».^۶

برای مثال منشور زمین^۷ در سال ۲۰۰۰ با ابتکار سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) با کنسانسوس به تصویب رسید. منشور زمین ضمن "تصدیق اعتقاد به کرامت ذاتی همه انسان‌ها"، "احترام به زمین و حیات در تمام اشکال آن" را اصول اصلی این سند دانسته و در این رابطه عنوان می‌دارد: «تمام موجودات به یکدیگر وابستگی متقابل دارند و هر شکلی از زندگی ارزشمند می‌باشد» همچنین در اصول اساسی منشور زمین پذیرفته شده «حق مالکیت، مدیریت و استفاده از منابع طبیعی تعهد به ممانعت از آسیب‌های زیست محیطی و حمایت از حقوق افراد را در پی دارد».

استیون راکفلر، رئیس کمیته پیش‌نویس منشور زمین، اظهار داشت منشور زمین اساساً

۱. هدایت اله فلسفی، همان، ص ۴۲۸.

در حالیکه (اصول) جنبه عام و کلی دارند قاعده موضوع خاص و فرعی می‌باشد. در واقع قواعد جاری در هر نظام حقوقی از اصول کلی نشأت می‌گیرند. تبعاً اگر اصول اساسی حاکم بر یک جامعه رویکردی کرامت محور داشته باشند نمود این رویکرد در تمام قواعدی که از آن اصول نشأت گرفته و در جامعه جاری هستند نمایان می‌باشد.

حمید الهوتی نظری، رویکرد انسانی در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۹) ص ۱۱۹.

2. The Hartwell Paper.

3. The Hartwell Paper, A New Direction for Climate Policy after the Crash of 2009 (2010), at 35.

4. United Nations Environment Programme (UNEP).

5. Embedding the Environment in Sustainable Development Goals.

6. United Nations Environmental Programme, Embedding the Environment in Sustainable Development Goals (2013), Post-2015 Discussion Paper 1, at 15.

7. Earth Charter.

مربوط به انتقال به روش‌های پایدار زندگی و توسعه پایدار بشری می‌باشد. وی با استناد به اصول اساسی منشور زمین عنوان نمود این سند در واقع بدنبال انعکاس این واقعیت است که مراقبت از مردم و مراقبت از زمین، دو بُعد کاملاً مرتبط با یکدیگر هستند. لذا فعالان و نهادهای اقتصادی در کنار تحقق توسعه انسانی عادلانه می‌بایست از سیستم اکولوژیکی زمین نیز حراست نمایند^۱ لذا رویکرد کرامتی نه تنها برای انسان ایجاد حق می‌کند بلکه وی را در برابر محیط زیست متعهد نیز می‌نماید. اما ظرفیت‌های موجود در کرامت انسانی چگونه می‌تواند انسانی شدن حقوق محیط زیست (با رویکرد بشریت‌محور) را تامین نمایند.

۱-۳. حفاظت از محیط زیست در پرتو تفسیر موسع کرامت انسانی

یکی از کارکردهای رویکرد کرامتی به محیط زیست، تفسیر موسع حق‌های بشری است. به عبارت دیگر از ویژگی‌های کرامت انسانی مفهوم گسترده آن و تفسیر موسعی است که در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل می‌توان از آن ارائه نمود. از جمله پرونده‌های جالب در این مورد پرونده دولت آفریقای جنوبی علیه گروتبوم و دیگران می‌باشد. در این رای، دادگاه قانون اساسی آفریقا با تفسیر موسعی که از مفهوم کرامت انسانی می‌نماید حق بر خوراک، پوشاک و مسکن را بعنوان حداقل‌هایی که اقتضای کرامت انسانی است؛ زیر بنای ارزش‌های جامعه اعلام می‌نماید. این پرونده مربوط به گروهی از افراد بی‌خانمان است که ساکن منطقه *والاسیدین*^۲ بوده‌اند که وضعیت اسفناکی از حیث شرایط زندگی داشته‌اند. دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی در این پرونده عنوان می‌دارد: «قانون اساسی آفریقای جنوبی هم حقوق مدنی و سیاسی و هم حقوق اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد ... زمانیکه افراد از خوراک، پوشاک و مسکن مناسب محروم می‌شوند بی‌تردید کرامت انسانی آن‌ها بعنوان یکی از ارزش‌های مبنایی جامعه ما مخدوش شده است»^۳. در واقع دادگاه با تفسیر موسع کرامت انسانی حق بر خوراک، پوشاک و مسکن را برای شهروندان آفریقایی به رسمیت شناخته است. بنابراین تفسیر موسع کرامت انسانی، به محاکم این اختیار را می‌دهد تا دامنه حمایت‌های

1. Rick Clugston, "Earth Charter Education for Sustainable Ways of Living", Journal of Education for Sustainable Development, Volume 4, issue 2, (2010), at 161.

2. Wallacedene.

3 Case CCT 11/00, The government of the republic of south africa v. Irene Grootboom, Constitutional court of South Africa (2000), para 23. available at: <http://www.saflii.org/za/cases/ZACC/2000/19.html>.

بشری را توسعه دهند. از دیگر پرونده‌هایی که محاکم برای تفسیر موسع به کرامت انسانی استناد کردند پرونده معروف به بچه‌های خیابان^۱ است. پرونده اخیر که در سال ۱۹۹۹ در دادگاه آمریکایی حقوق بشر مطرح شد مربوط به قتل چند نوجوان گواتمالایی بوده که در خیابان به فروش مواد غذایی و نوشیدنی اشتغال داشتند.^۲ قاضی ترینداد و ابرو برلی در نظر مشترکی که در مورد این رای صادر نمودند اعتقاد داشتند که حق حیات، مستلزم برخورداری از حداقل شرایط زندگی است که با کرامت انسانی مطابقت داشته باشد.^۳ در واقع قاضی ترینداد با استناد به کرامت انسانی، تفسیر موسعی از حق حیات ارائه نمود؛ بدین معنا که حق حیات صرفاً مستلزم زنده بودن شخص نیست اگر اشخاص از حداقل شرایط زندگی همراه با کرامت برخوردار نباشند حق حیاتشان نقض شده است ولو اینکه زنده باشند.

در حوزه‌های زیست‌محیطی ارتباط میان تخریب محیط زیست و آسیب دیدن کرامت انسانی مسئله‌ای است که همواره مورد توجه نهادهای بین‌المللی بوده است. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در گزارش خود راجع به دولت اکوادور مقرر داشته است: «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بر پایه این اصل استوار است که حقوق ذاتی افراد نشأت گرفته از انسان بودن آنهاست. احترام به کرامت انسانی افراد، اصلی است که زیر بنای حمایت اساسی از حق حیات و حفاظت از سلامت جسمانی است. آلودگی شدید زیست‌محیطی که موجب بیماری جدی، درد و رنج مردم محلی می‌شود با حق احترام به انسان، سازگار نیست».^۴

در سال‌های اخیر برخی محاکم بین‌المللی با شناسایی حق بر محیط زیست سالم، ورود خسارت به محیط زیست را بدون اینکه مستقیماً به انسانی خسارتی وارد شود پذیرفته و محکوم نموده‌اند. از جمله پرونده "مرکز اقدام حقوق اقتصادی و اجتماعی علیه نیجریه" در کمیسیون حقوق بشر و خلق‌های آفریقا مطرح شده و مربوط به نقض حق بر محیط زیست سالم توسط دولت نیجریه می‌باشد زیرا دولت اخیر بر تعهدات خود در قبال شهروندانش در

1. Street Children Case.

2. Case of the "Street Children", (Villagran-Morales et al.) v. Guatemala, Inter-American Court of Human Rights (1999), pp 76-79.

3. Case of the "Street Children", (Villagran-Morales et al.) v. Guatemala, Joint concurring opinion of judges a.a. Cançado Trindade and a. abreu-burelli, Inter-American Court of Human Rights (1999), para 7.

4. Inter-American Commission of Human Rights, Report on the Situation of Human Rights in Ecuador (1997), chapter VIII inter-American, available at: <http://www.cidh.org/countryrep/ecuador-eng/index%20%20ecuador.htm>

زمینه محیط زیست پایبند نبوده است.^۱ خواهان پرونده مدعی بود که دولت نیجریه بطور مستقیم در آلوده نمودن هوا، آب و خاک مشارکت داشته است. لذا کمیسیون عنوان می‌دارد که: «دولت می‌بایست برای ممانعت از آلودگی، تخریب زیست‌محیطی، افزایش حمایت از محیط زیست، حراست از توسعه پایدار زیست‌محیطی و استفاده صحیح از منابع طبیعی هرگونه اقدام معقولی را ترتیب دهد»^۲

با این حال برخی دادگاه‌های بین‌المللی عموماً زمانی ورود خسارت ناشی از آثار زیست‌محیطی را شناسایی می‌نمایند که این خسارت اولاً جدی و قریب الوقوع باشد ثانیاً حیات، سلامت و اموال شخصی شاکی را تهدید نماید. یکی از آرای جالب و در عین حال قابل انتقاد دیوان اروپایی حقوق بشر، پرونده کرتاتوس علیه یونان است. در این پرونده خواهان‌ها خانم و آقای کرتاتوس (مادر و پسر) بدنبال تخریب ساختمان‌هایی بودند که در مرداب نزدیک محل سکونت آن‌ها بنا شده بود. دیوان در این پرونده اذعان می‌دارد: «حتی اگر فرض کنیم به علت توسعه شهری منطقه، محیط زیست منطقه مورد اختلاف به شدت آسیب دیده است خواهان‌ها استدلال قابل قبولی ارائه نکردند که اثبات نماید خسارات ادعایی به پرندگان و سایر گونه‌های مورد حمایت که در مرداب می‌زیستند از چنان ماهیتی برخوردار است که بطور مستقیم حقوق آن‌ها را طبق بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون^۳ نقض نماید». متعاقباً دیوان نتیجه می‌گیرد که نمی‌تواند بپذیرد مداخله در شرایط زندگی حیوانات در مرداب، تهدیدی برای زندگی شخصی یا خانوادگی خواهان‌ها به حساب می‌آید.^۴

رویکرد دیوان با این انتقاد مواجه بوده است که خسارات ممکن است قریب الوقوع نبوده و با

1. Communication No. 155/96, Social and Economic Rights Action Center v. Nigeria, African Commission on Human and Peoples' Rights (2001), para. 50, available at: <http://www.hlnr.org/~hlnrnew/img/documents/SERAC%20v%20%20Nigeria%20Communication.pdf>

2. Ibid, Paras 52-53.

۳. ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی:

الف- هر کس از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلات خود برخوردار است.
ب- در اجرای این حق هیچ مداخله‌ای نباید از سوی هیچ یک از مقامات دولتی صورت گیرد مگر مداخلات منطبق بر قانون و مواردی که در یک جامعه دموکراتیک به دلایل حفظ امنیت ملی، ایمنی عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از هرج و مرج و جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات یا حفاظت از حقوق سایرین ضروری تشخیص داده شوند.

4. Application no. 41666/98, Case of kyrtatos v. Greece, European Court of Human Rights (22 May 2003), Judgment, Strasbourg, para 53.

تاخیر موجبات ورود زیان را فراهم نمایند. علاوه بر این، ممکن است لطمه جدی و قریب الوقوع به کرامت انسان وارد شود بدون اینکه به ظاهر حیات، سلامت و اموال وی تحت الشعاع قرار گیرند. انتقادات به رای مذکور به اینجا ختم نمی‌شود زیرا دامنه ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با تفسیر دادگاه بسیار مضیق گردید. بطوریکه با این تفسیر نه تنها ظرفیت دادگاه در حمایت از محیط زیست بلکه ظرفیت دادگاه در حمایت از حقوق بشر مندرج در ماده ۸ نیز محدود می‌گردد. دادگاه در این پرونده می‌توانست با توسل به مفهوم کرامت انسانی تفسیری موسع از حقوق مندرج در ماده ۸ کنوانسیون ارائه نماید؛^۱ این درحالیست که توسل به کرامت انسانی برای توسعه حقوق مندرج در ماده ۸ کنوانسیون در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر بی‌سابقه نبوده است. در پرونده کریستین گودوین علیه بریتانیا، دیوان اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: ماهیت اصلی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر احترام به کرامت انسانی و آزادی انسان است.^۲

در رای اخیر یکی از حقوقی که دیوان در راستای کرامت انسانی مورد شناسایی قرار داده حق تعیین هویت می‌باشد. بالتبع رویه قضایی باید تعیین نماید چه جنبه‌هایی از زندگی انسان، هویت انسان را تشکیل می‌دهد؟ بی‌تردید بخشی از هویت انسان در تعامل وی با محیط زیست شکل می‌گیرد. آسیب رساندن به محیط زندگی گروه‌های قومی و فرهنگی ممکن است به حیات، سلامت و حتی اموال شخصی آنها نیز آسیبی نرساند اما بی‌تردید هویت قومی و فرهنگی آنها را خدشه‌دار می‌نماید. برای مثال اگر محیط زندگی گروه‌های قومی و فرهنگی محل تجمع زباله‌های شهری باشد حتی اگر زباله‌های مذکور بطور مستقیم به سلامت آنها آسیب نرساند مسلماً کرامت انسانی آنها نادیده انگاشته شده است. زیرا محیط زندگی آنها که بخشی از هویت آنها در آن شکل گرفته است از بین می‌رود. وجود انسان چنان با محیط زیست پیوند دارد که هرگونه آسیبی به محیط زیست لامحاله انسان و کرامت وی را دچار مخاطره می‌نماید. در واقع هویت شخص که بخشی از کرامت انسانی فرد را تشکیل می‌دهد در ارتباط شخص با محیط زیست (شامل محیط پیرامونی وی) شکل می‌گیرد. در پرونده اندورویس^۳ کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها نیز عنوان می‌دارد جدایی اجباری مردم

1. Dinah Townsend, op. cit, at 216.

2 Application no. 28957/95, Case of Christine Goodwin v. The United Kingdom, European Court of Human Rights (11 July 2002), Judgment, Strasbourg, para 90.

3. Endoroise Case.

اندروویس از سرزمین‌شان، هویتِ جمعیِ آن‌ها را بعنوان مردم تهدید می‌نماید.^۱ شناسایی هویت انسانی به‌عنوان بخش مهمی از کرامت انسانی به دادگاه این فرصت را می‌دهد تا تاثیر تخریب محیط زیست بر توسعه هویت فردی را در نهایت نقضِ کرامتِ انسانی تفسیر نماید (ولو اینکه این خسارت جدی و قریب الوقوع نبوده یا حیات، سلامت و اموال شخص را تهدید ننماید). به عبارتی ساده پاسداری از کرامت انسانی جامعه بین‌المللی را به سمت حفاظت از محیط زیست سوق می‌دهد چراکه در غیر اینصورت هویت انسان که بخشی از کرامت وی می‌باشد مخدوش می‌گردد. به همین دلیل است که دیوان عالی دولت هند در یکی از پرونده‌های خود اذعان می‌دارد: بهره‌مندی از زندگی با کرامت انسانی، مستلزم حفاظت از محیط زیست و ایجاد تعادل زیست‌محیطی است به نحوی که آلودگی از آب و هوا زدوده شده و بهداشتی فراهم شود که بدون آن نمی‌توان از زندگی بهره‌مند گردید. همچنین دیوان اخیر عنوان می‌کند: بهره‌مندی از زندگی مستلزم برخورداری از حیاتی متناسب با کرامت انسانی، حفاظت از محیط زیست، ایجاد تعادل محیطی با رفع آلودگی از آب و هوا و بهره‌مندی از محیط سالم و بهداشتی است... بنابراین محیط زیست بهداشتی یک جنبه جدایی‌ناپذیر از حق زندگی سالم است و زندگی همراه کرامت انسانی بدون داشتن محیطی زیستی سالم و انسانی غیرممکن است.^۲ در واقع دیوان عالی دولت هند با الهام از اعلامیه استکهلم و تفسیر موسع از کرامت انسانی این رای را صادر نمود زیرا اعلامیه مقرر می‌دارد زندگی همراه با کرامت انسانی مستلزم برخورداری از محیطی است که شرایط لازم را برای برخورداری از آن فراهم نماید.

۲-۳. کرامت انسانی و توسعه صاحبان حق در حیطه حقوق محیط زیست

مفهوم کرامت انسانی این فرصت را در اختیار محاکم قرار می‌دهد تا حقوق مندرج در اسناد حقوق بشری و زیست‌محیطی را به گروه‌هایی تسری دهند که به ظاهر نامی از آن‌ها در

1. Communication No. 276/2003, Centre for Minority Rights Development (Kenya) and Minority Rights Group International on Behalf of Endorois Welfare Council v Kenya, African Commission on Human and Peoples' Rights (2010), para 75.

2. Case No.: 2 SCC 577, Virendra Gaur and Ors vs State of Haryana and Ors, Supreme Court of India (24 November 1994), p 3, Available at: <http://ndiankanoon.org/doc/27930439>.

اسناد بین‌المللی برده نشده است. بدین معنا که کرامت انسانی، برخی حقوق بشر را حتی به مردگان و جنین انسان نیز تعمیم می‌دهد.

یکی از پرونده‌های جالب در این زمینه پرونده وو علیه فرانسه می‌باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر در این پرونده در رابطه با حقوق جنین اعلام می‌نماید: احتمال بالقوه موجود شدن و ظرفیت تبدیل شدن به یک انسان، بدون اینکه شخص از حق حیات به معنای ماده ۲ کنوانسیون برخوردار باشد، تحت عنوان کرامت انسانی مورد حمایت می‌باشد.^۱ کرامت انسانی در این مفهوم با استقلال فردی مطابقت ندارد. به عقیده امانوئل کانت، انسان به این دلیل از کرامت برخوردار است که موجودی آزاد و صاحب اختیار می‌باشد در نتیجه موجوداتی که از این استقلال برخوردار نباشند بهره‌ای از کرامت انسانی ندارند. پرونده اخیر به خوبی نشان داد که دادگاه از روش کانتی برای تفسیر کرامت انسانی استفاده نکرده است. زیرا دادگاه از احتمال بالقوه موجود شدن صحبت می‌نماید.^۲

مفهوم کرامت انسانی نه تنها بر طول زندگی انسان بلکه بر فراتر از آن نیز حکومت می‌نماید. دادگاه فدرال آلمان در پرونده مفیستو^۳ از مفهوم کرامت انسانی برای تسری برخی حمایت‌های اساسی به اشخاص مرده نیز بهره می‌گیرد. بدین معنا که اشخاص مرده نیز از این حق برخوردارند که مورد احترام قرار گیرند. بنابراین مفهوم کرامت انسانی این ظرفیت را در اختیار محاکم قرار می‌دهد تا برخی حقوق بشر را فراتر از دوره حیات، به جنین انسانی و حتی مردگان نیز تسری دهند.^۴

در هر دو مورد مذکور (جنین و مرده) کرامت انسانی اجازه حمایت از گروه‌هایی را می‌دهد که به ظاهر جایی در اسناد حقوق بشری ندارند. در مثال‌های بالا (جنین و مرده) شخص صاحب کرامتی وجود ندارد اما افراد، تعهد به رفتار کرامت‌بار دارند. مایکل روزن^۵ عنوان می‌کند بعضاً هیچ فردی از رفتار کرامت‌محور منتفع نمی‌شود بدین معنا که هیچ صاحب حقی وجود ندارد اما رویکرد کرامتی ایجاد تعهد می‌نماید. در واقع روزن معتقد است در این موارد باید از اولویت تعهد بر حق سخن بگوییم. لذا تعهد به برخورد محترمانه با جسم بی‌جان،

1. Application no. 53924/00, Grand Chamber Judgment in the Case of Vo v. France, European Court of Human Rights (2004), Judgment, Strasbourg, para 84.

2. Dinah Townsend, op. cit, at 220.

3. Mephisto Case.

4. Dinah Townsend, op. cit, at 219-220.

5. Michael Rosen.

یک تعهد کلی است که انسان به صرف انسان بودن به آن متعهد می‌باشد ولو اینکه صاحب حقی در این موارد وجود نداشته باشد.^۱ بنابراین در این موارد کرامت انسانی به جای اینکه منبع ایجاد حق باشد منبع ایجاد تعهد می‌شود.^۲

از آثار مثبت این رویکرد در حقوق محیط زیست نحوه تعامل انسان با سایر موجودات غیر بشری از جمله حیوانات می‌باشد. سایر موجودات گرچه مانند انسان دارای کرامت نیستند اما بدون تردید در چرخه طبیعت ارزشمند هستند^۳ و انسان در برابر آن‌ها متعهد می‌باشد. در رویکرد کرامتی، رابطه انسان و محیط زیست بر اساس "نیاز" تعریف نمی‌شود؛ بدین معنا که انسان را بعنوان موجودی دارای نیاز و طبیعت را بعنوان منبعی برای تأمین نیازهای وی بدانیم. از این منظر انسان صاحب حق و طبیعت صرفاً موضوع حق می‌باشد.^۴ همچنین رابطه انسان و محیط زیست بر مبنای "سود و منفعت" نیز نمی‌باشد زیرا در این صورت، طبیعت فی نفسه و در ذات خود ارزشمند نیست بلکه ارزش آن، وابسته به سود و منفعتی است که برای انسان دارد.^۵ در نظام مبتنی بر کرامت، جایگاه انسان در نظام محیط زیست بر اساس "ارزش" و حیثیت ذاتی مورد توجه قرار می‌گیرد. ذیل دیدگاه اخیر در دکترین چند نظریه مطرح شده است: طبق نظریه اصالت نفس، مفهوم ارزش، مستلزم ارزشگذاری ذهنی است، بدین معنا که انسان صاحب ارزش ذاتی است اما ارزش طبیعت بسته به خواسته‌ها و امیال انسان دارد. نظریه اصالت وجود نیز اصالت را برای انسان قائل بوده و تعامل انسان با طبیعت مادی، معنای ارزش طبیعت را شکل می‌دهد.^۶ اما نظریه اصالت طبیعت خصلت‌ها، ویژگی‌ها و ارزش طبیعت را خارج از انسان شناسنده می‌داند. نظریه طبیعت‌گرایی بر خصلت عینیت ارزش در برابر جنبه ذهنی آن تأکید دارد. در نظریه اخیر برخی معتقدند اشیاء طبیعت فی نفسه ارزشمند می‌باشند و تنها انسان می‌تواند آن را کشف نماید (نه اینکه آن را ایجاد نماید) این را طبیعت‌گرایی

1. Michael Rosen, *Dignity: Its History and Meaning* (Boston: Harvard University Press, 2012) at 141.

2. Dinah Townsend, op. cit, at 220.

۳. برای تفکیک معنای کرامت (Dignity) از ارزش (Value) رک به:

Dieter Schonecker, Elke Elizabeth Schmidt, "Kant's Ground-Thesis, On Dignity and Value in the Groundwork", *The Journal of Value Inquiry*, Volume 52, Issue 1, (2018), at 86-88.

۴. علی مشهدی، اسماعیل کشاورز، «تأملی بر مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۳۶، (۱۳۹۱)، صص ۴۹-۵۰.

۵. همان، صص ۵۲-۵۳.

۶. همان، صص ۵۶-۵۸.

یک وجهی می‌نامند. در مقابل برخی معتقدند لزومی ندارد که ارزش گذار موجودی آگاه و مدرک باشد بلکه ممکن است عنصری از طبیعت مانند گیاه یا رود و... باشد. طبق نظریه طبیعت‌گرایی دووجهی، جانداران فاقد شعور ارزش مختص به خود را دارند و بر مبنای همین ارزش ذاتی می‌توانند صاحب حق شوند.^۱ بالطبع رویکرد کرامت‌محور انسان را در برابر موجودی که صاحب حق باشد مسئول می‌داند.

در سال‌های اخیر حتی برخی محاکم برای مسئول شناختن انسان در برابر برخی پدیده‌های طبیعی، برای آنها شخصیت حقوقی قائل شده‌اند. در سال ۲۰۱۶ دادگاه قانون اساسی کلمبیا رودخانه آتراتو را بعنوان صاحب حق شناسایی می‌نماید. در رای اخیر، دادگاه عنوان می‌دارد رودخانه آتراتو و حوزه‌های آبریز آن صاحب حقوق حمایت، حفاظت و بازسازی توسط دولت و گروه‌های قومی می‌باشد،^۲ به عبارت دیگر دادگاه پذیرش دعوا را منوط به آسیب انسانی ندانسته و بطور ضمنی تایید می‌نماید که خسارات زیست محیطی در بلند مدت حیات انسانی را با مخاطره مواجه می‌نماید.^۳

پرونده جالب دیگری که می‌توان ذکر کرد مربوط به جنگل آمازون (۲۰۱۸) می‌باشد. این پرونده توسط ۲۵ نفر (با طیف سنی ۷ تا ۲۶) علیه دولت کلمبیا مطرح شد. در پرونده مذکور، نماینده خواهان‌ها (که یک سازمان حقوق بشری بوده است) سوای حقوق خواهان‌ها، به حق جنگل آمازون نیز تصریح می‌نماید. دادگاه در ابتدا تصریح می‌نماید که جنگل‌زدایی بعنوان منبع کلیدی انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر به تغییر اقلیم می‌شود. تغییر اقلیم نیز اکوسیستم و منابع آبی را از بین برده و موجبات نابودی زمین را فراهم می‌نماید. همچنین دادگاه می‌افزاید که بدون داشتن یک محیط سالم بطور کل موجودات زنده قادر به زنده بودن نخواهند بود چه برسد به اینکه بتوانیم از حقوق فرزندانمان و نسل‌های آتی حراست نماییم.^۴ نکته مهم رای

۱. همان، صص ۵۹-۶۳.

2. Ruling T-622, Expediente T-5.016.242, Colombia Constitutional Court (2016), p 159. In Francisca Pou Giménez, *The Rights of Rivers and Forests and Apex Court Dynamics in Colombia: On Natural and Institutional Environments*, 2018, available at: http://www.iconnectblog.com/2018/06/the-rights-of-rivers-and-forests-and-apex-court-dynamics-in-colombia-on-natural-and-institutional-environments-i-connect-column/#_edn6

3. *Tierra Digna*, Colombian Constitutional Court sets a Global Precedent, 2017, last seen at 25/4/2020, available at: <https://www.abcolombia.org.uk/constitutional-court-sets-global-precedent>.

4. Anastasia Moloney, *Colombia's Top Court orders Government to Protect Amazon Forest*

مذکور این است که دیوان عالی کلمبیا برای جنگل آمازون شخصیت حقوقی قائل شده، بر همین اساس طبق قانون آن را صاحب حق می‌داند. لذا در مقابل آن، دولت کلمبیا تعهد حقوقی به حفاظت و بازسازی آن دارد.^۱ در واقع در پرونده جنگل آمازون دادگاه بدرستی بقای نسل حاضر و حیات نسل آتی را به محیط زیست سالم گره زده و لذا برای تامین حقوق عناصر تشکیل دهنده محیط زیست، شخصیت حقوقی آن‌ها را شناسایی می‌نماید تا از این طریق آن‌ها را صاحب حق در مقابل دولت و مردم را متعهد و مسئول بداند.

انسان بعنوان موجودی که دارای کرامت می‌باشد در برابر پدیده‌های طبیعی که بعضاً شخصیت حقوقی آنها به رسمیت شناخته شده مسئول بوده لذا نمی‌تواند هر برخوردی با سایر موجودات داشته و آن‌ها را مورد آزار و اذیت قرار داده یا آسیبی به آنها بزند.^۲ مبنای ایجاد تعهد در رویکرد کرامت‌محور، ریشه در اندیشه‌های فلسفی حقوق بین‌الملل دارد. سیسرو معتقد بود جهان طبیعت، انسان را مجهز به قوه عقلانیت نموده تا برخلاف حیوانات، غرایز انسانی تحت حکومت عقل وی باشد. وی معتقد بود عقلانیت که منشا کرامت است برای انسان ایجاد مسئولیت می‌نماید؛ وی این نتیجه را از دو مقدمه استنباط نمود: اول اینکه طبیعت عقلانیت را به انسان اعطا نمود. دوم انسان می‌بایست مطابق قوانین طبیعت عمل نماید. در واقع این واقعیت (وجود قوه عقلانیت) در کنار تعهد (به زندگی بر وفق عقلانیت) انسان را متعهد می‌سازد تا رفتارهای خود را با سایر موجودات با جایگاه کرامتی خود، منطبق نماید.^۳ همچنین این معنا را در اندیشه‌های کانت می‌توان مشاهده نمود.

کانت^۴ مهم‌ترین فیلسوفی است که آزادی فردی را به صلح بین‌المللی گره می‌زند. برای درک بهتر آزادی فردی کانت می‌بایست اصول مطلق یا دستوری^۵ کانت را مطالعه

in Landmark Case, 2018, Last Seen at 25/4/2020, available at: <https://www.reuters.com/article/us-colombia-deforestation-amazon/colombias-top-court-orders-government-to-protect-amazon-forest-in-landmark-case-idUSKCN1HD21Y>.

1. Stephen Schmidt, Colombian High Court Grants Personhood to Amazon Rainforest in Case against Country's Government, 2018, Last Seen at 25/4/2020, available at: <https://www.pri.org/stories/2018-05-06/colombian-high-court-grants-personhood-amazon-rainforest-case-against-country-s>.

2. Michael Rosen, op. cit, at 141.

3. John Victor Enslin, *Kant on Human Dignity: A Conversation among Scholars* (Boston: Boston College Electronic Thesis or Dissertation, 2014) at 192. available at: <https://dlib.bc.edu/islandora/object/bcir:101364/datastream/PDF/download/citation.pdf>.

4. Immanuel Kant.

5. Categorical Imperative.

نمود. وی سه شکل یا بیان از اصل مطلق ذکر می‌نماید. نخستین بیان، عنوان می‌کند (بر اساس اصلی عمل کن که همان زمان که عمل می‌کنی بخواهی یک قانون جهانی و عمومی باشد)^۱ از حیث تئوری نخستین صورتبندی کانت دربرگیرنده حمایت از جهانی بودن حقوق بشر می‌باشد. دومین بیان منبعث از تاکید کانت، بر استقلال و حاکمیت فردی می‌باشد. در واقع این صورت بندی متضمن کرامت انسانی است؛ (خواه نسبت به شخص خودت یا دیگران طوری عمل کن که با انسانیت رفتار می‌کنی، نه بعنوان ابزار بلکه بعنوان غایت و هدف)^۲ واژه انسانیت بر مجموعه‌ای از ویژگی‌های انسانی دلالت می‌کند که وی را قادر می‌سازد اهدافی را برای خود تعیین کرده و انتخاب عقلانی نماید. در اینجا کانت با تاکید بر ویژگی "عقلانیت" انسان را هدف و غایت فی نفسه دانسته و لذا وی را شایسته احترام می‌داند. صورت بندی دوم، متضمن تکالیف سلبی بوده است؛ بدین معنا که دیگران (اعم از دولت و سایر اشخاص) می‌بایست انسان را در تعیین و دستیابی به اهداف و آرزوهای خود آزاد گذارند. در برابر این تکلیف سلبی، انسان دارای یک تکلیف ایجابی می‌باشد که تکلیف اخیر متضمن صورتبندی سوم می‌باشد. بیان سوم مشتمل بر این امر است که انسان نه تنها می‌بایست در دستیابی به اهداف خود آزاد باشد به همان میزان می‌بایست نسبت به سایرین عادل و خیرخواه باشد.^۳ صورتبندی سوم به نظر نگارنده، مشتمل بر جنبه تعهدی کرامت می‌باشد. در واقع کرامت انسانی در خوانش کانتی (به معنای غایت بودن انسان) صرفاً ایجاد حق نمی‌کند بلکه ممکن است متضمن ایجاد تعهد نیز باشد. از این منظر انسان در برابر موجودات زنده و غیرزنده محیط زیست متعهد می‌باشد. به همین دلیل اصل اول اعلامیه استکهلم^۴ انسان را در برابر محیط زیست مسئول می‌داند.^۵ از دیگر آثار مثبت رویکرد اخیر در حقوق محیط زیست، حفاظت از محیط زیست به

۱. فرناندو تسون، همان، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۳۲.

4. Stockholm Declaration on the Human Environment (1972).

۵. اصل اول اعلامیه استکهلم: انسان حقوقی بنیادی نسبت به آزادی، مساوات و شرایط مناسب و زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با وقار و سعادت‌مندانه را می‌دهد، دارد و مسئولیت حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را به عهده دارد.

منظور بهرمندی نسل‌های آتی^۱ است که اسناد مختلف زیست‌محیطی از جمله اصل دوم اعلامیه استکهلم به آن اشاره نموده است.^۲ یکی از مولفه‌های انسانی شدن حقوق محیط زیست با رویکرد بشریت‌محور بُعد زمانی یعنی بهرمندی نسل‌های آتی می‌باشد. نسل‌های آینده که هنوز به وجود نیامده‌اند را نمی‌توان با یک انسان موجود مستقل و مختار قیاس نمود؛ اگر معیار بهره‌مندی از حقوق را صرفاً استقلال و اختیار انسان بدانیم نسل‌های آتی لامحاله از هیچگونه حقوقی برخوردار نیستند. اما همانطور که دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده وو اعلام نمود زیر چتر کرامت انسانی احتمال بالقوه موجود شدن برای بهرمندی از حقوق کافی است. بر این مبنا نسل‌های آتی و سایر موجودات غیرانسانی نیز از کرامت انسانی بهره‌مند می‌باشند. در واقع کرامت انسانی با رویکرد تعهدمحور، نسل حاضر را نسبت به نسل آتی متعهد می‌نماید تا زمینه‌های بهره‌مندی از محیط زیستی سالم را برای آن‌ها فراهم نمایند.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر تحولات زیست‌محیطی از جمله گرمایش زمین، آسیب لایه اوزون و ... دولت‌ها را به این سمت هدایت نمود که می‌بایست پیش از پیش به آن توجه نمایند. حقوق محیط زیست که در صدد ایجاد محیطی امن و سالم برای زندگی انسانی می‌باشد با اتخاذ رویکردی کرامت‌محور همواره بدنبال حفاظت و حراست از کرامت و شرافت انسانی بوده است. صاحب کتاب *تکامل ارزش‌های جهانی و حقوق بین‌الملل*^۳ معتقد است اهمیت و ارزش کرامت انسانی تنها به این نیست که هسته اصلی حقوق بشر را تشکیل می‌دهد، کرامت انسانی بدنبال انسانی کردن کل حقوق بین‌الملل می‌باشد.^۴ گرچه هیچ تعریف رسمی از کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی وجود ندارد اما دکترین آن را بطور کل برخوردار از ارزش ذاتی به صرف انسان بودن تعریف کرده است.

به نظر نگارنده حقوق محیط زیست بعنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل با تکیه بر

1. Future Generation.

۲. اصل دوم اعلامیه استکهلم: «منابع طبیعی زمین شامل هوا، آب، گونه‌های گیاهی و جانوری و به خصوص نمونه‌های حاکی از اکوسیستم‌های طبیعی، می‌بایست به منظور تامین منافع نسل حاضر و آینده بطور مناسبی از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق مورد محافظت قرار گیرند».

3. The Evolution of Global Values and International Law.

4 Otto Spijkers, op.cit, at 306.

مؤلفه‌های کرامتی، تحت تاثیر فرایند انسانی شدن حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. انسانی شدن حقوق بین‌الملل در ابتدا با نفوذ مفاهیم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل آغاز شد. در رویکرد فردمحور اخیر، توجه به ملاحظات شخص انسانی در روابط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بوده است. اما به تدریج با استقرار اصل کرامت انسانی در مباحث زیست‌محیطی، انسانی شدن حقوق بین‌الملل و شاخه‌های آن بر اساس نظام مبتنی بر بشریت شکل گرفت. در رویکرد بشریت‌محور؛ هدف، مرتفع ساختن نگرانی‌های مشترک بشریت و تعالی نوع انسان می‌باشد. به گواه اسناد بین‌المللی و دکترین حقوقی، حقوق محیط زیست بر پایه عوامل عینی و ذهنی، سمبل رویکرد بشریت‌محور در حقوق بین‌الملل می‌باشد.

فهرست منابع

الف- فارسی

کتابها

- الهوئی، نظری، رویکرد انسانی در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۹).
- تسون، فرناندو، فلسفه حقوق بین‌الملل، ترجمه محسن محبی، چاپ سوم (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴).
- شریف، محمد، گذار از حقوق بین‌الملل به حقوق بشر (تهران: شهر دانش: ۱۳۹۳).
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، چاپ سوم (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۰).
- فلسفی، هدایت اله، سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل (تهران: نشر نو با همکاری نشر آسیم، ۱۳۹۶).

مقاله‌ها

- جمالی، حمید رضا، «میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل»، دانشنامه حقوق و سیاست، دوره ۶، شماره ۱۴، (۱۳۸۹).
- شریفی طراز کوهی، حسین، «الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۹، شماره ۲، (۱۳۹۶).
- عرب اسدی، شیما، امیرحسین رنجریان، «نگرانی‌های مشترک بشری: از پدیداری تا تکامل در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۸۴، شماره ۲، (۱۳۹۷).
- مشهدی، علی، اسماعیل کشاورز، «تأملی بر مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۳۶، (۱۳۹۱).

پایان نامه

- فرزانه، یوسف، انسانی شدن حقوق بین الملل در پرتو نظریه مسئولیت حمایت با تاکید بر دیدگاه اسلام، (تهران: دانشگاه پیام نور، گروه الهیات و حقوق اسلامی، ۱۳۹۳).

ب- انگلیسی

Books

- Moeron, Theodor, *The humanization of international law*, Volume 3, The Hague Academy of International Law Monographs (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2006).

- Morsink, Johannes, *Inherent Human Rights: Philosophical Roots of the Universal Declaration* (Pennsylvania: University of Pennsylvania Press, Inc, 2009).

- Rosen, Michael, Michael Rosen, *Dignity: Its History and Meaning* (Boston: Harvard University Press, 2012).

- Spijkers, Otto, *The United Nations, The Evolution of Global Values and International Law*, Volume 47 (Netherland: School of Human Rights Research Series, 2011).

- Trindade, Antônio Augusto Cançado Antônio Augusto Cançado Trindade, *International Law for Humankind towards a New Jus Gentium*, Volume 8, (Leiden: Martinus nijhoff publishers: 2013).

Articles

- Clugston, Rick, "Earth Charter Education for Sustainable Ways of Living" (2010), *Journal of Education for Sustainable Development*, Volume 4, issue 2.

- Hennette-Vauchez, Stéphanie, "When Ambivalent Principles Prevail, Leads for Explaining Western Legal orders Infatuation with the Human Dignity Principle", *European University Institute*, Volume 10, Issue 2, (2007), available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1093274

- McCrudden, Christopher, "Human Dignity and Judicial Interpretation of Human Rights", *The European Journal of International Law*, Vol. 19, issue 4, (2008).

- Neal, Mary, "Respect for Human Dignity as 'Substantive Basic Norm'", *International Journal of Law in Context*, Volume 10, Issue 01, (2014).

- Chachter, Oscar, Oscar Schachter, "Human Dignity as a Normative Concept", *The American Journal of International Law*, Vol. 77, issue 4, (1983).

- Schonecker, Dieter, Elke Elizabeth Schmidt, "Kant's Ground-Thesis, On Dignity and Value in the Groundwork", *The Journal of Value Inquiry*, Volume 52, Issue 1, (2018).

- Shelton, Dinah, "Human Rights, Environmental Rights, and the Right to Environment", *Journal of International Law*, Vol. 28, No. 103, (1991).

- Shultziner, Doron, "Human Dignity - Functions and Meanings, Global Jurist Topics", *Global Jurist Topics*, Volume 3, Issue 3, (2003), available at: <https://www.degruyter.com/view/j/gj.2003.3.3/gj.2003.3.3.1110/gj.2003.3.3.1110.xml>.

- Townsend, Dinah, "Taking Dignity Seriously? A Dignity Approach to Environmental Disputes before Human Rights Courts", *Journal of Human Rights and the Environment*, Vol. 6, Issue 2, (2015).

- Yee, Sienho, Sienho Yee, "The International Law of Co-progressiveness: The Descriptive Observation, the Normative Position and Some Core Principles", *Chinese Journal of International Law*, Volume 13, issue 3, (2014).

- Zeng, Lingliang, "Humanizing Tendency of Contemporary International Law", *Frontiers of Law in China*, Volume 4, issue 1, (2009).

Thesis

- Enslin, John Victor, *Kant on Human Dignity: A Conversation among Scholars*, (Boston: Boston College Electronic Thesis or Dissertation, 2014), at 192. Available at: <https://dlib.bc.edu/islandora/object/bcir:101364/datastream/PDF/download/citation.pdf>.

Documents

- The Hartwell Paper, *A New Direction for Climate Policy after the Crash of 2009* (2010).

- United Nations Environmental Programme, (2013), *Embedding the Environment in Sustainable Development Goals*, Post-2015 Discussion Paper 1.

Cases

- Application no. 28957/95, case of Christine Goodwin v. The United

Kingdom, European court of human rights (11 July 2002), Judgment, Strasbourg.

- Application no. 41666/98, Case of Kyrtatos v. Greece, European court of human rights (22 May 2003), Judgment, Strasbourg.

- Application no. 53924/00, Grand Chamber Judgment in the Case of Vol v. France, European Court of Human Rights (2004), Judgment, Strasbourg.

- Case CCT 11/00, The Government of the Republic of South Africa v. Irene Grootboom, Constitutional court of South Africa (2000) available at: <http://www.saflii.org/za/cases/ZACC/2000/19.html>.

- Case No. 2 SCC 577, Virendra Gaur and Ors vs State Of Haryana And Ors, Supreme Court of India (24 November 1994), available at: <http://indiankanoon.org/doc/27930439>.

- Case No.: IT-94-1, Tadic Case (Decision on Interlocutory Appeal), Decision of 2 October 1995, ICTY (1995).

- Case No: IT-96-21-A, Prosecutor V Zejnir DELALIC, Zdravko MUCIC, Hazim DELIC, ICTY (2001).

- Case of the “Street Children”, (Villagran-Morales et al.) v. Guatemala, Joint concurring opinion of judges a.a. cançado trindade and a. abreu-burelli, Inter-American Court of Human Rights (1999).

- Case of the “Street Children”, (Villagran-Morales et al.) v. Guatemala, Inter-American Court of Human Rights (1999).

- Communication No. 155/96, Social and Economic Rights Action Center v. Nigeria, African Commission on Human and Peoples’ Rights (2001). available at: <http://www.hlrn.org/~hlrnnew/img/documents/SERAC%20v%20%20Nigeria%20Communication.pdf>.

- Communication No. 276/2003, Centre for Minority Rights Development (Kenya) and Minority Rights Group International on Behalf of Endorois Welfare Council v Kenya, African Commission on Human and Peoples’ Rights (2010).

- Inter-American Commission of Human Rights, Report on the Situation of Human Rights in Ecuador, (1997), chapter VIII inter-American. available at: <http://www.cidh.org/countryrep/ecuador-eng/index%20%20ecuador.htm>.